

پژوهش‌های معمار اسلامی ۱۹

شماره شایا: X - ۹۸۰ - ۳۳۸۲

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال ششم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۷

▣ تبیین انگاره‌ی «شهر اسلامی» با استفاده از نسخه‌ی تحلیل موقعیت روش نظریه‌ی زمینه‌ای
احسان بابائی سالانقوچ / محمد مسعود / کامران ربیعی

▣ کرانمندی و بیکرانی ساختار فضایی معماری اسلامی ایران در مساجد دوران صفوی (نمونه موردی: مسجد شیخ لطف‌اله و امام اصفهان)
علی دری / غلامرضا طلپسچی

▣ گونه‌شناسی ترکیب‌بندی‌های گیاهی در تزئینات گچ‌بری ایران دوره‌ی اسلامی تا اواخر قرن هشتم هجری
احمد صالحی کاخکی / بهاره تقوی‌نژاد

▣ تبیین رابطه‌ی سازگاری کاربری‌های جانبی مساجد نسبت به کاربری عبادی، با محل استقرار آنها نسبت به فضاهای اصلی عبادت
عبدالحمید نقره‌کار / پریسا یمانی / مهدی حمزه نژاد

▣ بررسی مفهوم و ارزیابی پُروخالی در جداره‌های خانه‌های تاریخی تبریز
مسعود وحدت طلب / علی یازان / حامد محمدی خوش‌بین

پژوهش‌های معماری اسلامی ۱۹

شماره شایا: X - ۹۱۰ - ۳۳۸۷

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال ششم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۷



مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سردبیر: دکتر محسن فیضی

مدیر داخلی: دکتر فاطمه مهدیزاده سراج

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی

کارشناس مجله: امیرحسین یوسفی - زهرا کاشانی دوست

ویراستار انگلیسی: محمد رضا عطایی همدانی

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر حسن بلخاری: استاد دانشگاه تهران

دکتر مصطفی بهزادفر: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد رضا پور جعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر اسماعیل شیعه: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر منوچهر طیبیان: استاد دانشگاه تهران

دکتر حمید ماجدی: استاد واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر اصغر محمد مرادی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر غلامحسین معماریان: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

مهندس عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد تقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علی یاران: استاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

طراح جلد و صفحه آرا: امیرحسین یوسفی

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

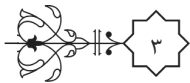
نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات
وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶ / ۳ / ۱۸ مورخ
۹۳ / ۷ / ۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه‌های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

مقالات مندرج در این مجله، الزاماً بیانگر نقطه نظرات «پژوهش‌های معماری اسلامی» و «قطب علمی معماری اسلامی» نمی باشد و نویسندگان محترم، مسئول مقالات خود هستند.

نشانی دفتر مجله: دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / **تلفن مستقیم:** ۰۲۱ - ۷۷۴۹۱۲۴۳

نشانی رایانه: jria@iust.ac.ir / **نشانی وب:** <http://iust.ac.ir/jria>



تبیین انگاره‌ی «شهر اسلامی» با استفاده از نسخه‌ی تحلیل موقعیت روش نظریه‌ی زمینه‌ای



احسان بابائی سالانقوج*

دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان

محمد مسعود**

دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان (نویسنده مسئول)

کامران ربیعی***

استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۴/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۱/۲۰

چکیده:

«شهر اسلامی» یکی از مفاهیمی است که به طور مکرر در پژوهش‌های انجام شده در خصوص رابطه‌ی شهر و شهرسازی، با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است. با این وجود، بررسی پژوهش‌های انجام شده در خصوص این انگاره نشان از آن دارد که هنوز اجماعی در خصوص ماهیت و ویژگی‌های آن وجود ندارد؛ و پژوهشگران مختلف با دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوت، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مختلفی را برای آن برشمرده‌اند. پژوهش حاضر، با هدف شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات «شهر اسلامی» در پی پاسخگویی به این پرسش است که در پژوهش‌های مختلف چه ویژگی‌ها و خصوصیات برای انگاره شهر اسلامی برشمرده شده است. در این مسیر و به منظور ارائه‌ی تصویری روشن‌تر از این مفهوم، نوشتار حاضر از روش تحلیل موقعیت بهره برده است. تحلیل موقعیت، یکی از نسخه‌های متعدد روش نظریه‌ی زمینه‌ای است که با تمرکز بر موقعیت به عنوان واحد تحلیل، به ترسیم نقشه‌های مختلف اقدام می‌نماید. در قلب این روش، سه نقشه‌ی موقعیت، عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی و وضعیت قرار دارند که همراه با هم تصویر بزرگ در خصوص موقعیت مورد بررسی را آشکار می‌نمایند. در این مطالعه، از متون، اسناد و مواد گفتمانی و طرح‌های شهری مربوطه به عنوان داده‌های پژوهش استفاده شده است؛ و پس از کدگذاری، نسبت به نقشه‌ای کردن و ترسیم نقشه‌های مختلف اقدام شده است. گردآوری داده‌ها به صورت هم‌زمان با تحلیل و با استفاده از نمونه‌گیری نظری، تا رسیدن به اشباع پیگیری شده است. نتایج مطالعه نشان‌دهنده‌ی آن است که شهر اسلامی به عنوان یک موقعیت، در بردارنده‌ی عاملین، کنشگران و مؤلفه‌های متعدد، شامل مؤلفه‌های انسانی، غیرانسانی و گفتمانی گوناگون است که غفلت از هر یک موجب ارائه‌ی تصویری مبهم از این انگاره می‌گردد. از سوی دیگر این موقعیت شامل عرصه‌ها و قلمروهای التزام، تعهد و قدرت متعددی است که تصویری جامع از شهر اسلامی، نیازمند توجه هم‌زمان به ویژگی‌های هر کدام از آنها است. و در نهایت، پژوهش‌های انجام شده در این خصوص هم‌چنان مملو از عرصه‌های پژوهشی بکر و وضعیت‌های اتخاذ نشده است که برای ارائه‌ی تصویری روشن از شهر اسلامی باید مورد توجه قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل موقعیت، شهر اسلامی، نظریه‌ی زمینه‌ای.

مقدمه

شهر اسلامی از مهم ترین مفاهیم مرتبط با طراحی و برنامه ریزی شهری متناسب با ارزش ها، اصول و فرهنگ اسلامی است که تأثیر بسیاری بر مطالعات این عرصه داشته است. عرصه ای که در گسترده ترین مفهوم می توان آن را شهرسازی اسلامی نامید. دامنه ای تأثیر این انگاره، برگزاری همایش های مختلف تحت عنوان آرمان شهر اسلامی و شهر اسلامی (از جمله اولین و دومین همایش ملی شهر اسلامی - اصفهان، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱؛ همایش ملی فرهنگ، کالبد و محیط در معماری و شهر اسلامی - قزوین، ۱۳۹۴؛ نخستین کنفرانس ملی شهر ایرانی اسلامی - تهران، ۱۳۹۵؛ همایش در جستجوی شهر فردا؛ واکاوی مفاهیم و مصادیق در شهر ایرانی اسلامی - قزوین، ۱۳۹۳ و...)، تألیف کتبی که به نوعی شهر اسلامی را در عنوان خویش دارند (برای نمونه صارمی ۱۳۸۷؛ جعفر عاملی ۱۳۸۸؛ نقی زاده ۱۳۹۰؛ بمانیان ۱۳۹۵؛ لطیفی، و قلندریان ۱۳۹۵؛ ایمانی جاجرمی ۱۳۹۳)، ترجمه ای کتاب های مختلفی که به گونه ای شهر اسلامی را در عنوان خود گنجانده اند (برای مثال بemat ۱۳۹۳؛ جعیط ۱۳۹۳؛ آنتونیو ۱۳۹۴)، مجلات علمی-پژوهشی - که رسالت خود را پرداختن به ماهیت و مؤلفه های شهر اسلامی معرفی کرده اند - حجم وسیعی از پایان نامه های تحصیلات تکمیلی - که تبیین ویژگی های شهر اسلامی را هدف گذاری کرده اند - مقالات بسیار و حتی دوره های آموزشی مختلف را شامل می شود.

با این همه هنوز تبیینی از ماهیت، چیستی و مؤلفه های شهر اسلامی - که بر روی آن توافقی فراگیر وجود داشته باشد - ارائه نشده است. از سوی دیگر، انتقادات بسیاری بر این انگاره وارد شده از جمله آنکه مدل ارائه شده به عنوان شهر اسلامی در پی معرفی سکونتگاه های مسلمانان به عنوان موجودیتی ایستا و فاقد سازمان اجتماعی است؛ صرفاً دوره ی پیشامدرن، آن هم ذیل مناطق جغرافیایی خاص و اعصار تاریخی متفاوت و گاه بی ارتباط با یکدیگر، را در نظر داشته است؛ نسبت به شهر معاصر یا بدون نظر است و یا اصولاً ایجاد شهر اسلامی را در دوره ی معاصر ناممکن دانسته و نسبت به آن سکوت اختیار کرده است؛ بر پایه ی

دیدگاه های پژوهشگران از چند رشته ی خاص و مبتنی بر تعمیم های عمدتاً فاقد استدلال منطقی، «شهر اسلامی» را به مجموعه ای از چند عنصر خاص تقلیل داده است؛ و در پی ارائه ی تصویری همگون و همسان از شهر در قلمرو وسیع جغرافیایی و دامنه ی زمانی گسترده حضور و بسط اسلام پرداخته است (نگاه کنید به: بابائی سالانقوچ، مسعود، و محمدی ۱۳۹۳؛ مسعود و بابائی سالانقوچ ۱۳۹۴).

یکی از مشکلات اصلی در مطالعه ی شهر اسلامی و تبیین مؤلفه ها و ویژگی های آن را می توان فقدان و عدم بهره گیری از یک روش مناسب برشمرد. روشی که قادر باشد ورای صدهای غالب و متداول در این عرصه برود؛ و به دلیل دامنه ی وسیع زمانی و مکانی تحت پوشش حکومت/تمدن/فرهنگ اسلامی در پی یکسان سازی و ارائه تصویری یگانه از شهر اسلامی نباشد؛ و علاوه بر آن، بتواند گفتمان های مختلف موجود در این زمینه را تحت پوشش قرار دهد. پژوهش کیفی، عرصه ای است که به دلیل ماهیت انضمامی آن - انضمامی بودن به معنای تولید و مصرف شده به وسیله گروه های خاصی از مردم و از نظر تاریخی و جغرافیایی قابل مکان یابی - می تواند به عنوان ابزاری تسهیل گر در این عرصه مورد استفاده قرار گیرد. به طور کلی، پژوهش کیفی پیوسته با تمرکز بر داده ها و توجه به عقاید و دیدگاه های افراد و گروه هایی که به طور معمول حاشیه ای تلقی می شده اند؛ زندگی و شیوه ی بودن و تفکر آن ها را آشکار می نماید. پژوهش کیفی، تفکرات و فلسفه هایی را که در پی توجه به تنوع و دیدگاه های مختلف هستند را پذیرفته و تسهیل می نماید (پرز^۱ و کانالا^۲ ۲۰۱۳). با این حال، به رغم امکاناتی که پژوهش کیفی و روش شناسی های مبتنی بر آن در اختیار پژوهشگران قرار داده اند؛ جستجو برای چشم اندازها و روش هایی که فرصت ها و توانایی های بیشتری در این عرصه را در اختیار قرار دهند؛ ادامه دارد. یکی از این چشم اندازها، تحلیل موقعیت است که به عنوان خوانشی از نظریه زمینه ای، به وسیله کلارک^۳ (کلارک ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۵؛ ۲۰۰۶؛ ۲۰۰۷؛ کلارک، فرایز^۴، و واشبورن^۵ ۲۰۱۵؛ کلارک و فرایز ۲۰۰۷) ارائه شده است.





از مکتب شرق‌شناسی ارائه می‌نمودند (ناصر ۲۰۰۲، ۱۷۳). بر این اساس، عقاید این پژوهشگران در باب شهر اسلامی و شهرسازی مسلمانان اساساً هماهنگ با انگاره‌ی بنیادین شرق‌شناسی است که مطابق با آن هر پدیده موجود در مدنیت و شهرگرایی کشورهای مسلمان، در نهایت توسط اسلام مشروط شده و مرتبط با اسلام است (رایموند^۷ ۱۹۹۴، ۴)؛ که این سنت باعث تعمیم‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی شده و خود انتقاداتی را برانگیخته که پیش‌تر به برخی از آن‌ها اشاره شد.

به طور کلی پژوهش‌های نخستین در خصوص «شهر اسلامی»، عمدتاً بر اساس یکی از دو رویکرد و نگاه زیر صورت‌بندی شده‌اند:

۱. تحلیل ساختار شهر و ویژگی‌های فیزیکی آن؛ و یا
 ۲. انتساب ساختار شهر اسلامی به عوامل مذهبی و اجتماعی (الصیاد^۸ و تورلی^۹ ۲۰۰۹، ۶۰۰).
- رویکرد نخست، شهر اسلامی را از نظر شکلی و با استفاده از تحلیل گونه‌شناسانه و مورفولوژیکی تحلیل می‌نماید. به عبارت دیگر، در این نگرش، شکل ظاهری شهر، عناصر سازنده‌ی آن، ارتباط عناصر با یکدیگر و مسائلی از این دست مطرح است؛ در حالی که رویکرد دوم، خصوصیات ساختاری نظم شهری را بررسی می‌کند. در جدول ۱ ویژگی‌ها، خصوصیات و عناصر سازنده انگاره‌ی «شهر اسلامی» از دیدگاه پژوهشگران مختلف، از ابتدای قرن بیستم، ارائه شده است.^{۱۰}

جدول ۱. ویژگی‌ها، خصوصیات و عناصر سازنده انگاره‌ی شهر اسلامی در نگاه پژوهشگران گوناگون (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	پژوهشگر	خلاصه‌ی دیدگاه در خصوص ویژگی‌ها و ماهیت «شهر اسلامی»
۱	و. مارکیس (۱۹۲۸)	عناصر اصلی شهر اسلامی عبارت از یک مسجد جامع، بازاری در نزدیکی آن و مجموعه‌ای از حمام‌های عمومی است.
۲	ج. مارکیس (۱۹۴۰)	اعطای مورفولوژی به شهر اسلامی، تفاوت میان محلات مسکونی و غیرمسکونی، محلات ویژه بر اساس قومیت، و بازارهای سلسله‌مراتبی
۳	ساوگیت (۱۹۴۱)	تأکید وی بر چگونگی توسعه و بسط شهر اسلامی از ریشه‌های پیش از اسلام است.
۴	برانشوینگ (۱۹۴۷)	قوانین عرفی ملاک عمل قاضی، فرم فیزیکی شهرهای قلمرو اسلامی را باعث شده است.
۵	ون گرونه‌باوم (۱۹۵۵)	تلفیقی از دیدگاه‌های شرق‌شناسان پیشین، توصیف شهر اسلامی بر مبنای نهادهای شهری قرون وسطای اروپا

مقاله‌ی حاضر به تبیین انگاره‌ی شهر اسلامی با استفاده از روش تحلیل موقعیت می‌پردازد؛ و می‌کوشد تا با امکاناتی که این روش در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد؛ تصویری روشن‌تر از «شهر اسلامی» ارائه دهد. علاوه بر آن، این نوشتار را می‌توان گامی مقدماتی در ارائه‌ی یک روش‌شناسی مناسب برای بهره‌گیری در مطالعات شهرسازی اسلامی محسوب نمود که در آن، داده‌های پژوهش اسناد، متون، قوانین و گفتمان‌های مرتبط هستند. بر این اساس تحلیل موقعیت به عنوان روشی کیفی، رویکردی را به دست می‌دهد که امکان بررسی شهر و شهرسازی اسلامی را مهیا نموده و از آن طریق یک مفهوم‌سازی جدید برای استفاده در اقدامات آتی برای طراحی و برنامه‌ریزی شهری متناسب با فرهنگ اسلامی را مهیا می‌سازد.

پیشینه‌ی پژوهش

پیدایش انگاره‌ی «شهر اسلامی» و به طور خاص شکل‌گیری واژه‌ای بدین عنوان برای اشاره به یک سکونتگاه، در ابتدا توسط شرق‌شناسان و در حوزه‌ی جغرافیایی شمال آفریقا بوده است. پژوهشگران نخستین، شهر اسلامی را به عنوان موجودیتی مستقل مبتنی بر جامعه‌ای که اساساً متفاوت از همتای اروپایی آن بوده است؛ صورت‌بندی کرده‌اند. انگاره‌ی شهر اسلامی در ابتدا به وسیله گروه کوچکی از پژوهشگران اروپایی در نیمه‌ی نخست قرن بیستم ارائه گردید. این پژوهشگران، تفسیری اروپایی از شهرسازی «اسلامی» به عنوان جزئی لاینفک



۶	له تورنیه (۱۹۵۷)	تأکید بر مرکزیت مسجد جامع و بازار و نقش حمام های عمومی، تأکید بر تمایز شهر اسلامی با معادل قرون وسطایی آن در اروپا
۷	دپلن هول (۱۹۵۹)	تمایز شهرهای جدید مسلمانان به شهرهای خاورمیانه ای و شهرهای دارای ریشه یونانی
۸	جیرازبوی (۱۹۶۵)	بی نظمی فرم شهرهای مسلمانان را نتیجه ی فقدان نیروهای کنترل کننده می داند
۹	لاپیدوس (۱۹۶۷)	گروه های مکمل سازنده ی ساختار شهرهای مسلمانان عبارتند از نخبگان نظامی، علما، بازرگانان، و اشرافیت محلی
۱۰	الی سیف (۱۹۶۹)	شکل شهر اسلامی بیشتر از آن که به وسیله ی عوامل شرعی و قانونی معین شود؛ توسط عوامل اجتماعی و اقتصادی تعیین می شود.
۱۱	علی و سنر (۱۹۷۰)	حداقل یک شهر برنامه ریزی شده در اسلام وجود دارد؛ یعنی بغداد.
۱۲	حورانی (۱۹۷۰)	انتقاد به تعمیم مطالعات مربوط به شرق آفریقا، و تأکید بر تمایز زمانی، مکانی و ساختاری بین شهرها
۱۳	اشترن و کاهن (۱۹۷۰)	رد وجود گیلدها در شهر اسلامی
۱۴	ایکلمن (۱۹۷۴)	ساختار محلات در شهر اسلامی بیشتر از آن که فیزیکی باشد؛ ذهنی است.
۱۵	السید (۱۹۷۸)	معتقد به اصطلاح شهرهای مسلمانان است. آن چه مورد نیاز است؛ عبارت است از رویکردی از نظر فرهنگی آگاه، از دید قومیتی هوشیار، و حساس به برابری جنسیتی.
۱۶	اردلان و بختیار (۱۹۸۳)	مرکزیت در شهر اسلامی به تبعیت از عقاید معنوی نهفته مبتنی بر یگانگی در اسلام.
۱۷	سقاف (۱۹۸۷)	ویژگی های متمایز شهرهای مسلمانان عبارتند از طرح و طراحی فیزیکی منحصر به فرد، مرکزیت با یک میدان در اطراف ارگ و یک مسجد.
۱۸	ابولقود (۱۹۸۷)	هیچ یک از شرایط امروزی اجازه ی ساخت شهر اسلامی به وسیله ی طراحی را نمی دهد.
۱۹	هاندا و میورا (۱۹۹۴)	تقسیم بندی مطالعات شهر اسلامی ذیل مناطق جغرافیایی مغرب، مشرق، ترکیه، ایران و آسیای مرکزی
۲۰	ریموند (۱۹۹۴)	استفاده از واژه ی شهر سنتی بجای شهر اسلامی و توصیف مختصات آن
۲۱	احمد (۱۹۹۵)	معرفی شهرهای موجود در کشورهای دارای اکثریت مسلمان به عنوان شهر اسلامی
۲۲	حکیم (۱۹۹۹)	ضرورت تفکیک میان فرآیند و فرآورده و توجه به فرآیندها و کاربرد اصول اساسی در شهر اسلامی، معتقد به اصطلاحات شهر عربی اسلامی و شهر در فرهنگ های اسلامی
۲۳	نسر (۲۰۰۲)	معتقد به اصطلاح شهر مسلمانان است.
۲۴	نگلیا (۲۰۰۸)	دسته بندی دوگانه ی نگرش ها در خصوص شهر اسلامی.
۲۵	السید و تورلی (۲۰۰۹)	مدل شهر اسلامی، مدلی ناقص است؛ زیرا زمان و رشد شهری را در نظر نگرفته است.
۲۶	ابولقود (۲۰۱۳)	بازنشر مقاله ی ابولقود در کتاب خوانش طراحی شهری ویرایش لاریکا و مک دونالد.



روش‌شناسی

(پرز و کانالا ۲۰۱۳، ۵۰۶). از سوی دیگر، تحلیل موقعیت بر ویژگی‌های افراد یا «متغیرها»، آن‌چنان که در علوم اجتماعی معمول است؛ مرکزیت نیافته است. از این رو، هرگز محدود به انسان‌ها نیست؛ و می‌تواند با مؤلفه‌های غیرانسانی (فناوری‌ها، حیوانات، گفتمان‌ها، اسناد تاریخی، بازنمایی‌های بصری و...) تطبیق یابد. این خصوصیات به صورت ویژه‌ای برای تحقیق در خصوص شهر و شهرسازی اسلامی هماهنگ است؛ زیرا پژوهش در این عرصه متشکل از مؤلفه‌های انسانی و غیرانسانی متعدد و گوناگون است؛ از گفتمان‌های مختلف تشکیل شده که برخی بیشتر مورد ارجاع و «اسناد» بوده‌اند و برخی حاشیه‌ای؛ از گستردگی زمانی و فضایی قابل توجهی برخوردار است؛ حاوی دیدگاه‌های متعدد، گوناگون و گاه متضاد است؛ و با نظام‌های علمی متعددی در ارتباط است، حائز اهمیت و مفید فایده است.

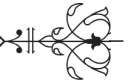
بر این اساس در نوشتار حاضر برای تبیین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهر اسلامی و بر اساس روش تحلیل موقعیت، چهار گونه نقشه معرفی و ترسیم شده‌اند: نقشه‌های موقعیت^{۲۳} (از دو نسخه ساخت‌نیافته^{۲۴} و منظم در مورد داده‌ها استفاده می‌شود)؛ نقشه‌های رابطه^{۲۵}، نقشه‌های عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی^{۲۶} و نقشه‌های وضعیت^{۲۷} (کلارک ۲۰۰۵؛ کلارک و واشبرن ۲۰۱۵). نقشه‌های موقعیت برای نشان دادن وسعت و دامنه‌ی موضوعات دخیل در موقعیت مورد بررسی، مؤلفه‌های عمده‌ی انسانی، غیرانسانی، گفتمانی و سایر مؤلفه‌های موقعیت مورد بررسی را ترسیم می‌نمایند. در نقشه‌های رابطه، پژوهشگر با تمرکز بر نقشه موقعیت، به نوبت هر مؤلفه را برگزیده و در خصوص ارتباط آن با هر یک از مؤلفه‌های دیگر نقشه به تفکر می‌پردازد. نقشه‌های جهان‌های اجتماعی/عرصه‌ها کارگزاران جمعی، مؤلفه‌های غیرانسانی کلیدی و نیز عرصه‌(های) التزام و گفتمانی را - که در آن‌ها مذاکرات مداوم در جریان است - ترسیم می‌نمایند. این نقشه‌ها تحلیل سطح میانی یا مزو^{۲۸} از موقعیت ارائه می‌دهند؛ و در نهایت، نقشه‌های وضعیت، وضعیت‌های عمده‌ی اتخاذ‌شده، و اتخاذ نشده، در داده‌ها را بر اساس محورهای ویژه متفاوت، و نیز بر پایه‌ی علایق و

مقاله‌ی حاضر برای تبیین انگاره‌ی شهر اسلامی از روش تحلیل موقعیت^{۱۱} بهره می‌گیرد. تحلیل موقعیت به عنوان پاسخی پست‌مدرنیستی به روش نظریه‌ی زمینه‌ای و توسط ادل کلارک بنیان گذارده و معرفی شده است. از دید پست‌مدرنیست‌هایی چون کلارک، به سبب پیچیدگی و گوناگونی تجارب و پدیده‌ها، هیچ روایت منفردی نمی‌تواند آن‌ها را به تنهایی تشریح و توصیف نماید (استرانگ^{۱۲}، گانت^{۱۳}، سامرپاند^{۱۴}، فرنچ^{۱۵}، و آسون^{۱۶} ۲۰۱۲، ۹۱). روش‌شناسی پیشنهادی کلارک از موقعیت به‌عنوان واحد تحلیل استفاده می‌کند. در این رویکرد، یک موقعیت می‌تواند به عنوان یک حوزه مورد توجه پژوهشگر تعریف شود که «همیشه بزرگ‌تر از مجموع بخش‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن است؛ زیرا شامل ارتباطات میان آن‌ها در یک موقع^{۱۷} زمانی و فضایی است» (کلارک ۲۰۰۵، ۲۳).

روش تحلیل موقعیت می‌تواند در مجموعه‌ی وسیعی از پروژه‌های انجام‌شده به وسیله‌ی مصاحبه، مردم‌نگاری، و نیز پژوهش‌های مبتنی بر داده‌های تاریخی، بصری و/یا سایر مواد گفتمانی شامل پژوهش چندسایتی^{۱۸} استفاده شود و به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که مطالعه‌های گفتمان و عاملیت، عمل و ساختار، ایماژ، متن^{۱۹} و زمینه^{۲۰}، تاریخ و زمان حال را - برای تحلیل موقعیت‌های پیچیده که به‌صورت گسترده‌ای به ادراک می‌آیند - یکپارچه نماید. زیرساخت مفهومی یا استعاره‌ی راهنمای تحلیل موقعیت به‌صورت ریشه‌ای با مفهوم اقدام-محور^{۲۱} «فرآیند اجتماعی پایه» - که زیربنای نظریه زمینه‌ای سنتی است - متفاوت است. این امر در تحلیل موقعیت با مفهوم موقعیت-محور^{۲۲} «جهان‌های اجتماعی/عرصه‌ها/مذاکرات» جایگزین شده است.

تحلیل موقعیت به عنوان یک روش پژوهشی در پی آن است تا پیچیدگی‌های موجود در موقعیت را، آن‌چنان که تغییر می‌کنند؛ پابرجا باقی می‌مانند و الگوها و وضعیت‌ها را به وجود می‌آورند؛ به تصویر بکشد؛ چشم‌اندازهای حاشیه‌ای و دانش‌های منکوب شده را آشکار نماید؛ و از آن‌چه «سوژه شناسا» خوانده می‌شود تمرکززدایی نماید





و غیرانسانی و مواد و مؤلفه‌های نمادین/گفتمانی مربوط به یک موقعیت مشخص است؛ آن‌چنان‌که توسط افراد درون آن موقعیت و توسط تحلیل‌گر بیان و چهارچوب‌بندی شده‌اند (کلارک ۲۰۰۷). ترسیم نقشه‌ی موقعیت، ضمن آن‌که امکان تفکر در خصوص گونه‌های مختلف داده‌ها را فراهم می‌سازد؛ امکان تفکر در خصوص سطوح مختلف داده‌ها در پژوهش در ماهیت و ویژگی‌های شهر اسلامی را مهیا ساخته و پیگیری مؤلفه‌های نهادی، سازمانی و جمعی را تسهیل می‌سازد.

بر این اساس، شهر اسلامی به عنوان یک موقعیت دربرگیرنده‌ی طیف وسیعی از عاملین، کارگزاران، کنشگران و مؤلفه‌های مختلف است که به پیچیدگی و تنوع فراوان پژوهش‌های این عرصه منجر شده است. از سوی دیگر تصویر ۱ حضور پررنگ معانی نمادین و گفتمانی را آشکار می‌سازد که باید در هر تحلیل پیرامون ماهیت، ویژگی‌های و مؤلفه‌های شهر اسلامی مورد نظر قرار گیرند. اهمیت این ساخت‌های گفتمانی به حدی است که می‌توان غفلت از آن‌ها را یکی از علل بسیاری از انتقادات و در نهایت، شکل‌گیری کلیشه‌ای دانست که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفتند.

تضاد پیرامون موضوعات در موقعیت، مورد بررسی ترسیم می‌نماید.

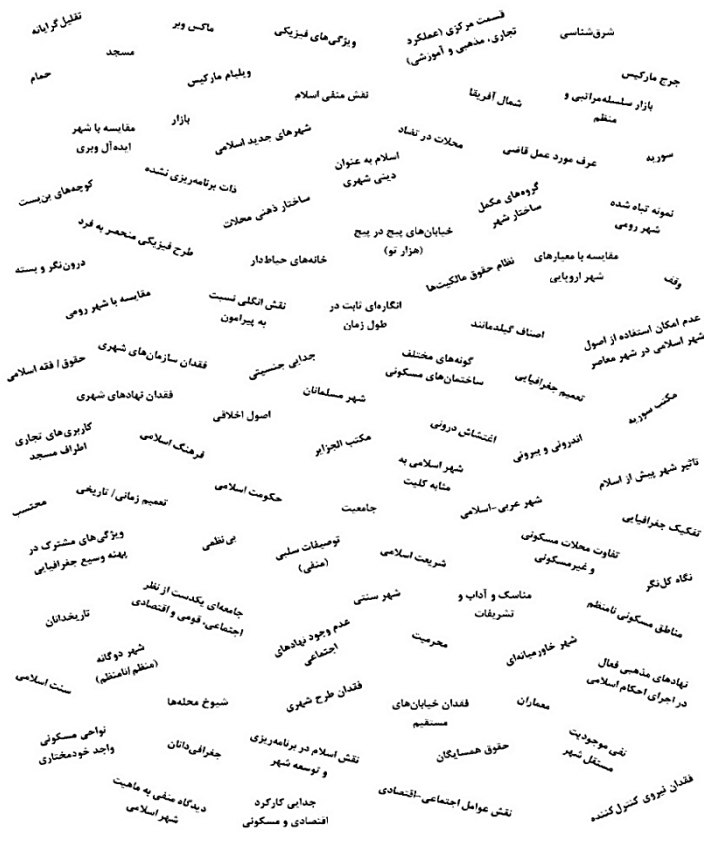
داده‌های تحقیق عبارتند از متون، اسناد و مواد گفتمانی مربوطه شامل کتاب‌ها، مقالات، قوانین و طرح‌های شهری متمرکز بر نقش و جایگاه اسلام در شهر و شهرسازی و به‌ویژه آن‌چه «شهر اسلامی» نامیده شده می‌باشد. انتخاب منابع فوق توسط نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری هدایت شده است. در ادامه داده‌های مستخرج در این مرحله، کدگذاری شده و برای ترسیم نقشه‌های چهارگانه مورد استفاده قرار گرفته شده‌اند تا بتوان تصویر بزرگ در خصوص ماهیت، چپستی و مؤلفه‌های شهر اسلامی را تعریف کرد زیرا آن‌چنان‌که کلارک (۲۰۰۵) می‌نویسد «کار اصلی آن‌ها [نقشه‌های تحلیل موقعیت] فراهم آوردن چیزی است که رابرت ای. پارک، روزنامه‌نگار و جامعه‌شناس مکتب شیکاگو، آن را «تصویر بزرگ یا خبر بزرگ» نامیده است».

یافته‌ها

۱. تعدد عاملین، کارگزاران، کنشگران و مؤلفه‌های دخیل

در تصویر ۱ نسخه‌ی ساخت‌نیافته‌ی نقشه‌ی موقعیت در خصوص ماهیت، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی ارائه شده است. نسخه‌ی ساخت‌نیافته نقشه‌ی موقعیت (به‌ویژه در مراحل ابتدایی کار) راهی منطقی برای پیشبرد کار تحلیل است. بر اساس دیدگاه کلارک (۲۰۱۵)، برای ترسیم یک نقشه‌ی ساخت‌نیافته از موقعیت کافی است پژوهشگر به سادگی تمامی مؤلفه‌های موجود در موقعیت مورد بررسی خود را بر روی برگه‌ای بنویسد. این دقیقاً چیزی است که نقشه‌ی موقعیت باید باشد؛ بنابراین پژوهشگر نباید خود را محدود و ملزم به ارائه فهرستی سازمان‌یافته نماید. مفیدترین حالت این نقشه‌ها زمانی به دست می‌آیند که محقق آزادانه و به صورتی وسیع در خصوص پژوهش بیندیشد و تمامی مؤلفه‌هایی که بر اساس داده‌ها و بر اساس دانسته‌های پیشین به ذهنش خطور کند را، صرف‌نظر از این‌که چقدر حاشیه‌ای به نظر می‌آیند؛ یادداشت نماید. بر این اساس، یک نقشه‌ی موقعیت دربردارنده‌ی تمامی کنشگران انسانی





تصویر ۱. نقشه موقعیت- نسخه ی ساخت نیافته (مأخذ: نگارندگان)

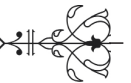
از پیچیدگی ها و تنوع در مطالعات این عرصه به دست داده شود. در روش تحلیل موقعیت این کار در نسخه ی منظم از نقشه ی موقعیت انجام می گیرد. این نقشه، با استفاده از نسخه ی ساخت نیافته ترسیم می شود.

نگاهی گذرا به نسخه ی ساخت نیافته، نشان از تنوع و تمایز -و حتی تضاد- کنشگران و مؤلفه های دخیل در این عرصه دارد. در این خصوص، می توان کنشگران، عاملیت ها، مؤلفه ها و عناصر مختلف تصویر ۱ را ذیل دسته ها و گروه های مختلف صورت بندی کرد تا تصویری روشن تر



<p>مولفه های حقوقی-قانونی</p> <p>عرف مورد عمل قضایی گروه های مکمل ساختار شهر نظام حقوق مالکیت ها اصناف گیندماند جدایی جنسیتی فقدان سازمان های شهری حقوق افقه اسلامی اصول اخلاقی حکومت اسلامی محنتب شریعت اسلامی نهاد های مذهبی فعال در اجرای احکام اسلامی حقوق همسایگی نقش اسلام در برنامه ریزی و توسعه شهر شیوخ محله ها</p>	<p>مولفه ها و عاملین غیر انسانی</p> <p>مسجد حمام بازار مقایسه با شهر ایده آل وبری کوچه های بن بست مقایسه با شهر رومی محلات در تضاد مقایسه با معیارهای شهر اروپایی</p>	<p>ساخت های گفتمانی موجود در عاملین منفرد و/یا جمعی انسانی</p> <p>شرق شناسی تقلیل گرایی نقش منفی اسلام اسلام به عنوان دینی شهری عدم امکان استفاده از اصول شهر اسلامی در شهر معارض انگازهای ثابت در طول زمان حقوق افقه اسلامی اصول اخلاقی فرهنگ اسلامی تعمیم زمانی تاریخی ویژگی های مشترک در پهنه وسیع جغرافیایی جامعه ای یکدست تاریخدانان جغرافیدانان نقش عوامل اجتماعی-اقتصادی حقوق همسایگان نهی موجودیت مستقل شهر معماران محرمیت مناسک و آداب و تشریفات شریعت اسلامی تفکیک جغرافیایی شهر اسلامی به مثابه کلیت تعمیم جغرافیایی</p>	<p>مولفه های کالبدی-فضایی</p> <p>مسجد حمام بازار مقایسه با شهر ایده آل وبری کوچه های بن بست شهر های جدید اسلامی ذات برنامه ریزی نشده ساختار ذهنی محلات طرح فیزیکی منحصر به فرد درون تگر و بسته خانه های حیاط دار ویژگی های فیزیکی قسمت مرکزی شهر بازار سلسله مراتبی نمونه تابنده شهر رومی خیابان های پیچ در پیچ گونه های مختلف ساختمان های مسکونی افتشاش درونی لندرونی و بیرونی تاثیر شهر پیش از اسلام کاربری های تجاری اطراف مسجد بی نظمی ویژگی های مشترک در پهنه وسیع جغرافیایی شهر دو گانه (منظم/نامنظم) فقدان طرح شهری جدایی کارکرد اقتصادی و مسکونی فقدان خیابان های مستقیم مناطق مسکونی نامنظم تفاوت محلات مسکونی و غیر مسکونی</p>
<p>گفتمان های روایی</p> <p>شرق شناسی تقلیل گرایی نقش منفی اسلام مقایسه با شهر ایده آل وبری اسلام به عنوان دینی شهری نمونه تابنده شهر رومی عدم استفاده از اصول شهر اسلامی در شهر معارض انگازهای ثابت در طول زمان مقایسه با شهر رومی مکتب سوریه حقوق افقه اسلامی جدایی جنسیتی شهر مسلمانان اصول اخلاقی فرهنگ اسلامی مکتب الجزایر حکومت اسلامی جامعیت شهر اسلامی به مثابه کلیت شهر عربی-اسلامی شریعت اسلامی توصیفات سنی مناسک و آداب و تشریفات ویژگی های مشترک در پهنه وسیع جغرافیایی شهر دو گانه (منظم/نامنظم) سنت اسلامی دیدگاه منفی به ماهیت شهر اسلامی نقش اسلام در برنامه ریزی و توسعه شهر نقش عوامل اجتماعی-اقتصادی نهی موجودیت مستقل شهر نگاه کلنگر</p>	<p>مولفه های اجتماعی-فرهنگی-نمادین</p> <p>مسجد حمام عرف مورد عمل قضایی محلات در تضاد اسلام به عنوان دینی شهری ساختار ذهنی محلات خانه های حیاط دار درون تگر و بسته وقف جدایی جنسیتی اصول اخلاقی فرهنگ اسلامی لندرونی و بیرونی شریعت اسلامی مناسک و آداب و تشریفات محرمیت جامعه ای یکدست از نظر اجتماعی، اقتصادی و اقتصادی شیوخ محله ها حقوق همسایگان نقش عوامل اجتماعی-اقتصادی</p>	<p>گفتمان های تاریخی</p> <p>انگازهای ثابت در طول زمان عدم امکان استفاده از اصول شهر اسلامی در شهر معاصر تاثیر شهر پیش از اسلام شهر های جدید اسلامی نگاه کلنگر شهر سنتی تعمیم زمانی تاریخی</p>	<p>مولفه های اقتصادی-سیاسی</p> <p>بازار سلسله مراتبی و منظم ذات برنامه ریزی نشده بازار گروه های مکمل ساختار شهر قسمت مرکزی نظام حقوق مالکیت ها وقف اصناف گیندماند نقش انگلی نسبت به پیرامون فقدان سازمان های شهری فقدان نهاد های شهری حقوق افقه اسلامی کاربری های تجاری اطراف مسجد محنتب حکومت اسلامی شریعت اسلامی نگاه کلنگر نهاد های مذهبی فعال در اجرای احکام اسلامی عدم وجود نهاد های اجتماعی فقدان نیروی کنترل کننده شیوخ محله ها نقش اسلام در برنامه ریزی و توسعه شهر نقش عوامل اجتماعی-اقتصادی جدایی کارکرد اقتصادی و مسکونی نواحی مسکونی خود مختار</p>
<p>مولفه ها و عاملین منفرد انسانی</p> <p>جرج مارکیس ویلیام مارکیس ماکس وبر</p>	<p>گفتمان ها/مولفه های جغرافیایی</p> <p>سوریه شمال آفریقا شهر های جدید اسلامی نمونه تابنده شهر رومی مقایسه با معیارهای شهر اروپایی مقایسه با شهر رومی نقش انگلی نسبت به پیرامون شهر مسلمانان مکتب الجزایر مکتب سوریه تعمیم جغرافیایی تفکیک جغرافیایی شهر عربی اسلامی شهر خاورمیانه ای ویژگی های مشترک در پهنه وسیع جغرافیایی</p>	<p>مولفه ها و عاملین جمعی انسانی</p> <p>عرف مورد عمل قضایی گروه های مکمل ساختار شهری اصناف گیندماند فقدان سازمان های شهری فقدان نهاد های شهری محنتب تاریخدانان شیوخ محله ها جغرافیدانان معماران فقدان نیروی کنترل کننده نهاد های مذهبی فعال در اجرای احکام اسلامی</p>	

تصویر ۲. نقش موقعیت- نسخه ی منظم (مأخذ: نگارندگان)



هم به وسیله گفتمان‌ها ساخته شده و هم گفتمان‌ها را خلق می‌نمایند؛ بارها و بارها به موجودیت‌هایی اجتماعی تبدیل می‌شوند» (کلارک ۲۰۰۵، ۱۱۰). در این نقشه‌ها، عرصه‌ها بر موضوعاتی متمرکزند که تمامی کنشگران و جهان‌های اجتماعی دخیل به عمل در چهارچوب آن‌ها متعهدند و گفتمان‌هایی را در مورد آن‌ها تولید می‌نمایند. از این رو، عرصه‌ها، سایت‌های عمل و گفتمان هستند. آن‌ها اغلب به شیوه‌هایی پیچیده، گفتمانی هستند. عرصه‌ها عموماً برای مدتی باقی می‌مانند و این عرصه‌های دیرپا، معمولاً به گفتمان‌های پیچیده، متعدد و چندلایه‌ای متصف می‌شوند که مؤلفه‌های جدید(تر) و قدیمی(تر) را به شیوه‌هایی مداوم و مشروط متحد می‌نمایند. علاوه بر آن، به سبب چشم‌اندازها و تعهدات متفاوت، عرصه‌ها معمولاً سایت‌های رقابت و منازعه هستند (کلارک ۲۰۱۵، ۸۹). به این ترتیب آن‌ها به طور ویژه برای تحلیل چشم‌اندازها یا وضعیت‌های ناهمگن مفید هستند.

دو عرصه‌ی متفاوت، ماهیت مطالعات شهر اسلامی و به تبع، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن را متأثر کرده است. در یک سو، بر ساخت/انگاره شهر اسلامی قرار دارد که سابقه‌ای حدود یک صد ساله دارد و ویژگی‌های مختلفی برای آن برشمرده شده و در طول یک قرن اخیر موضوع منازعات و کشمکش‌های نظری بسیاری بوده است. در سوی دیگر، شهرها و سکونتگاه‌های شهری موجود در جوامع مسلمان قرار دارند. نسبت انگاره‌ی شهر اسلامی با سکونتگاه‌های موجود (هم سنتی و هم معاصر) مسلمانان یکی از موضوعات مورد مناقشه است که این دو عرصه‌ی متفاوت و البته دارای هم‌پوشانی را به وجود آورده است. تصویر ۴، این عرصه‌های متفاوت (و جهان‌های اجتماعی موجود در هر یک) را به نمایش می‌گذارد. در این زمینه باید توجه داشت که عرصه‌ها - و نیز جهان‌های اجتماعی - موجودیت‌هایی به تمامی مستقل و متمایز نیستند، مسئله‌ای که در شکل به وسیله خطوط نقطه‌چین نمایش داده شده است. این عرصه‌ها و به ویژه انگاره و بر ساخت «شهر اسلامی» خصوصیتی چند را به خود دیده و نقدهای بسیاری بر آن وارد شده است؛ اما همچنان برخی ویژگی‌های خود را حفظ

تحلیل ویژگی‌ها و ماهیت شهر اسلامی با استفاده روش تحلیل موقعیت به شیوه‌ای دیگر نیز ماهیت در هم بافته و ارتباطات متقابل مؤلفه‌های موجود در این عرصه را آشکار می‌سازد. تصویر ۳، نقشه‌ی رابطه را با تمرکز بر یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سازنده انگاره‌ی شهر اسلامی - شرق‌شناسی - ارائه کرده است. در نقشه‌ی رابطه، پژوهشگر با تمرکز بر نقشه‌ی موقعیت، به نوبت هر مؤلفه را برمی‌گزیده و در خصوص ارتباط آن با هر یک از مؤلفه‌های دیگر نقشه به تفکر می‌پردازد. پژوهشگر دقیقاً بر یک عنصر متمرکز می‌شود و بین آن و سایرین خطوطی ترسیم می‌نماید و ماهیت ارتباط را با توصیف ماهیت خطوط تعیین می‌نماید. این کار به صورت نظام‌مند و برای هر یک از مؤلفه‌ها و به نوبت برای تمامی مؤلفه‌ها انجام می‌شود. از هر تعداد نقشه که مفید به نظر می‌آید؛ برای تهیه‌ی دیاگرام‌ها در این عمل تحلیلی استفاده می‌شود. بدیهی است که در این مرحله یک مؤلفه مشخص می‌تواند با چندین مؤلفه دیگر «رابطه» داشته باشد.

ترسیم نقشه‌های رابطه با تمرکز بر مؤلفه‌های گوناگون - که ارائه‌ی آن‌ها خارج از ظرفیت و اهداف این مقاله است - نشان می‌دهد که شهر اسلامی به مثابه یک موقعیت، ضمن آن که از مؤلفه‌ها و عناصر مختلفی شکل گرفته است؛ عرصه‌ی انبوهی از روابط مختلف و متقابل است به طوری که به جز در مواردی محدود، همیشه تمامی مؤلفه‌ها در ارتباطات متقابل با یکدیگر قرار دارند و این تأثیر متقابل به شکل‌گیری انگاره‌ای پیچیده، چندبعدی و حتی متناقض انجامیده است.

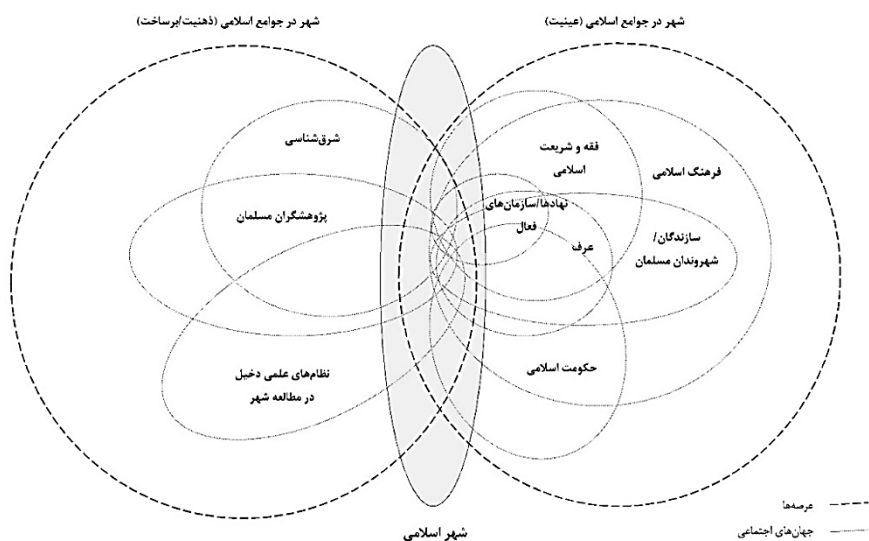
۲. تعدد قلمروهای التزام، تعهد و قدرت

یکی دیگر از نقشه‌هایی که ذیل روش تحلیل موقعیت می‌توان به ترسیم آن اقدام کرد؛ نقشه‌ی عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی است. نقشه‌ی عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی به تحلیل در سطح میانه می‌پردازد. «در اینجا، سطح میانه عبارت است از سطح عمل اجتماعی - نه به عنوان سطحی شامل توده‌ای از افراد، بلکه جایی که افراد به واسطه‌ی عمل متعهدانه خود به جهان‌های اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های آن جهان - که به طور هم‌زمان



کرده است. جهان‌های اجتماعی متعددی وجود دارند که برخی باهم، هم‌پوشانی دارند و به این موضوع اشاره دارند که برخی افراد و مجموعه‌ها و اشتراکات در بیش از یکی از آن‌ها مشارکت دارند. به‌طور مشابه، برخی جهان‌های اجتماعی در بیش از یک عرصه مشارکت می‌کنند؛ آن‌چنان‌که معمولاً این اتفاق رخ می‌دهد. جهان‌های اجتماعی، عموماً قلمروهای التزام، تعهد یا قدرتی هستند که افراد به‌واسطه‌ی عمل متعهدانه فردی و جمعی خویش در آن‌ها مشارکت می‌نمایند.

تلقی شهر اسلامی به مثابه یک موقعیت، علاوه بر عرصه‌های مختلف، دربردارنده‌ی جهان‌های اجتماعی متفاوت است که در تصویر ۴ ارائه شده‌اند. به‌طور عام، جهان‌های اجتماعی «عوالم گفتمان ۳۰» هستند که به‌طور روزمره گفتمان‌هایی در خصوص خودشان، درباره‌ی سایر جهان‌های اجتماعی و در مورد موضوعات مورد توجه در عرصه تولید می‌کنند (کلارک ۲۰۱۵، ۱۴). در هر موقعیت،



تصویر ۴. نقشه عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی (مأخذ: نگارندگان)

به روشن شدن این موضوع کمک می‌نماید. این نقشه‌ها وضعیت‌های عمده اتخاذشده، و اتخاذ نشده، در داده‌ها را بر اساس محورهای ویژه‌ی متفاوت پیرامون موضوعات مطرح در موقعیت مورد بررسی ترسیم می‌نمایند. سه نمونه از مهم‌ترین این موارد در تصاویر ۵ و ۶ و ۷ ارائه شده است.

وجود یا عدم وجود موجودیتی ویژه و متمایز به عنوان شهر اسلامی یکی از موضوعات مورد مناقشه در این زمینه بوده است که تلاقی آن با نوع تعریف این انگاره، بخش مهمی از ادبیات پژوهشی در این عرصه را شکل داده است. شکل‌گیری اولیه‌ی انگاره‌ی شهر اسلامی - عمدتاً به‌وسیله‌ی پژوهشگران غربی - مبتنی بر مقایسه‌ی شهرهای موجود در جوامع/حکومت‌های مسلمان با شهرهای غربی/اروپایی

تصویر ۴ جهان‌های اجتماعی موجود در عرصه‌های مختلف را ترسیم نموده است که آن‌گونه که قابل پیش‌بینی است از هم‌پوشانی قابل توجهی برخوردارند. برخی دیگر از جهان‌های اجتماعی موجود عبارتند از نهادها و سازمان‌های مذهبی فعال، حکومت اسلامی، عرف و ...

۳. ارجاع مکرر به پژوهش‌های نخستین و غفلت از برخی عرصه‌های پژوهشی

چنان‌چه در جدول ۱ مشاهده می‌شود حدود یک سده از استفاده از اصطلاح «شهر اسلامی» توسط پژوهشگران مختلف می‌گذرد؛ با این حال هنوز بسیاری از موضوعات و عرصه‌های پژوهشی در این زمینه کاوش نشده باقی‌مانده‌اند. روش تحلیل موقعیت به وسیله ترسیم نقشه‌های وضعیت



توصیف بر اساس آنچه ندارد/نیست یا توصیفات سلبی نامید. بهره‌گیری از نقشه وضعیت در ترسیم وضعیت‌های ممکن، تصویری روشن‌تر از پژوهش‌های این عرصه ارائه می‌دهد. تصویر ۵، وضعیت‌های ممکن موجود و ناموجود در این موضوع را ارائه می‌دهد.

و به‌ویژه بر اساس مؤلفه‌های پنج‌گانه وبر برای توصیف شهر بوده است. این دسته از پژوهش‌ها را که در طی آن پژوهشگر با اصل قرار دادن شهر اروپایی در این عرصه را به‌عنوان پایه‌ی مطالعات خویش در پی جستجوی قرینه‌ی آن در سرزمین‌های دارای اکثریت مسلمان هستند؛ می‌توان



تصویر ۵. نقشه‌ی وضعیت‌های مختلف در خصوص وجود و عدم وجود شهر اسلامی و ماهیت توصیف آن (مأخذ: نگارندگان)

عامل تباہ‌کننده‌ی شهر نام برده شده است (که به وفور در آرای شرق‌شناسان مشاهده می‌شود). از سوی دیگر، دیدگاه‌های متفاوتی پیرامون میزان نقش و تأثیر اسلام به چشم می‌خورد. این نگرش‌ها (وضعیت‌های) مختلف که در تصویر ۶ ارائه شده‌اند؛ باید برای ترسیم تصویری روشن از مطالعات شهر اسلامی و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های این انگاره مورد توجه قرار گیرند.

نقش و تأثیر اسلام بر جوامع مسلمان و ماهیت تأثیر آن بر سکونتگاه‌های شهری موضوع دیگری است که دیدگاه‌های مختلفی در خصوص آن مطرح شده است. این مسئله از یک سو، شامل دیدگاه‌هایی است که به نقش مثبت اسلام در ساماندهی و رشد و پیشرفت جوامع مسلمانان اشاره دارند؛ و در سوی دیگر، دیدگاه‌هایی مبتنی بر نقش منفی اسلام به عنوان



تصویر ۶. نقشه‌ی وضعیت در خصوص میزان نقش و تأثیر اسلام و ماهیت نقش و تأثیر آن (مأخذ: نگارندگان)



شده است که اغلب وجود آن به عنوان موجودیتی شهری را مورد تردید قرار داده است. نوع نگاه به ویژگی‌های شهر اسلامی، به دیدگاه‌های مختلفی در خصوص ماهیت «شهر اسلامی» و حتی وجود یا عدم وجود موجودیتی به این نام انجامیده است. تصویر ۷ وضعیت‌های موجود در این عرصه را ترسیم کرده است.

نوع نگاه به شهر اسلامی نیز به صورت گسترده پژوهش‌های این عرصه را تحت تأثیر قرار داده و حتی به دیدگاه‌های متمایزی در خصوص وجود یا عدم وجود شهر اسلامی انجامیده است. بسیاری از مطالعات مربوطه شهر اسلامی را دارای ویژگی‌هایی ایستا و مشخص در طول تاریخ و در پهنه‌ی وسیع جغرافیایی معرفی کرده‌اند. این نگاه کل‌نگرانه، به توصیفی تقلیل‌گرایانه از شهر اسلامی منجر



تصویر ۷. نقشه‌ی وضعیت در خصوص نوع نگاه به ویژگی‌های شهر اسلامی و دیدگاه‌ها در خصوص وجود یا عدم وجود آن (مأخذ: نگارندگان)

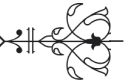
استفاده شده است. در این راه از متون، اسناد، طرح‌ها و داده‌های گفتگومانی مختلف موجود - که توسط پژوهشگران و متخصصان حرفه‌ای از رشته‌های مختلف تولید شده‌اند - بهره‌گرفته شده و با کدگذاری آن‌ها، به ترسیم نقشه‌های مختلف اقدام شده است.

تحلیل موقعیت با ترسیم و ارائه نقشه‌های مختلف، به تحلیل موضوع اقدام می‌نماید و بر این اساس در طی یک فرآیند همزمان از گردآوری و تحلیل داده‌ها و با تکیه بر نمونه‌گیری نظری و پیگیری موضوع تا حصول اشباع در هر زمینه، روش مناسبی برای تحلیل داده‌های کیفی در اختیار محقق قرار می‌دهد. این فرآیند نقشه‌ای کردن با ترسیم و ارائه‌ی نقشه‌های مختلف (شامل نقشه‌های موقعیت، رابطه، عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی و وضعیت)، از یک سو ترندهای قدرت و کردارهای گفتگومانی را برملا می‌کند؛ و

نتیجه‌گیری

شهر اسلامی انگاره‌ای پیچیده و چندبعدی است که دیدگاه‌های گوناگون و گاه متناقض و متضادی در خصوص ویژگی‌ها و ماهیت آن ارائه شده است و پس از گذشت یک سده از ابداع این اصطلاح، هنوز توافقی بر چپستی و عناصر و مؤلفه‌های سازنده آن میان پژوهشگران، متخصصان و حرفه‌مندان نظام‌های علمی مختلف درگیر در مطالعه آن صورت‌نپذیرفته است. با این حال، تأثیر بسیاری بر پژوهش و عمل در خصوص رابطه‌ی اسلام و ارزش‌های اسلامی با سکونتگاه‌های شهری داشته است. به رغم دیدگاه‌ها و رویکردهای گوناگون و متکثر، مطالعات موجود در این زمینه کمبود - اگر نه فقدان - روش‌شناسی‌های مناسب محسوس است. در این نوشتار از روش تحلیل موقعیت برای ارائه‌ی تصویری روشن‌تر از انگاره‌ی «شهر اسلامی»





چند عنصر کالبدی یا چند سازمان یا نهاد مشخص محدود شود.

علاوه بر آن نقشه‌های موقعیت به عنوان ابزاری برای تفکر در خصوص گونه‌های مختلف داده‌ها و تفکر بین سطوح مختلف پژوهش، مشاهده‌ی تعدد و مشروط بودن چشم‌اندازهای گوناگون در موضوع شهر اسلامی را ممکن می‌سازد؛ و ضمن آشکارسازی دانش پیشین، امکان پیگیری مؤلفه‌های نهادی، سازمانی و جمعی را فراهم آورده و بدین ترتیب می‌تواند بر رخوت تحلیلی موجود در این زمینه غلبه نماید.

شهر اسلامی به مثابه یک موقعیت دربردارنده‌ی عرصه‌ها و قلمروهای التزام و تعهد متعددی است که هر یک از این دیدگاه‌ها، ویژگی‌ها و عناصر مشخصی به آن بخشیده است. دو مورد از مهم‌ترین این قلمروها، یکی تمایز میان شهر اسلامی به عنوان یک برساخت و انگاره‌ی پژوهشی - با پیشینه و خاستگاه مشخص و با سیر پژوهشی معین که از اوایل قرن بیستم آغاز شده است - و شهر اسلامی به عنوان سکونتگاه‌های شهری مسلمانان با ویژگی‌های متمایز با هم‌تایان غربی، دارای اشتراکات و در عین حال تمایزات مبتنی بر شرایط اجتماعی، سیاسی، اقلیمی و... است که در طول چهارده قرن پس از ظهور اسلام بارها و بارها ساخته و بازسازی شده است؛ بدون این که در نگاه سازندگان و ساکنین آن نیازی به اطلاق نامی خاص بر آن احساس شده باشد. مورد دیگر، تمایز میان دیدگاه‌های مختلف و وجوه و تجلیات مختلف اسلام است که ساکنین شهرهای اسلامی و دست‌اندرکاران ساخت و مدیریت آن‌ها را متعهد و ملتزم نموده است. غفلت از این موضوع و نادیده‌انگاری این تنوع به تصویری صلی و یک‌وجهی از شهر اسلامی می‌انجامد؛ هم‌چنان که تاکنون نمونه‌های بسیاری از این دیدگاه‌ها عرضه شده است.

در این زمینه، تمرکز بر کار هر یک از جهان‌های اجتماعی، التزامات و تعهدات هر جهان اجتماعی مشخص، تبیین چگونگی توصیف هر جهان اجتماعی در گفت‌وگوها، عقاید مشارکت‌کنندگان در آن‌ها، اعمال پیشین انجام شده و انتظارات در مورد آینده و برنامه‌ی کار سازماندهی شده

از سوی دیگر به مصورسازی و تجسم بخشیدن اندیشه‌ی محقق کمک می‌کند و درگیری متعادلانه، پرسش‌گرایانه و شالوده‌زدایانه‌ی پژوهشگر با یک موقعیت را روی یک صفحه می‌آورد تا واکاوی و موشکافی و تفحص بهتر در جزئیات بشود و شرح انتقادی قدرتمندی از یک پدیده در یک موقعیت خاص به دست دهد. عمل نقشه‌ای کردن موقعیت در طی یک فرآیند تکرارشونده و انباشتی، به‌طور مداوم افزوده می‌شود؛ ویراسته می‌شود؛ و از آن به‌عنوان ابزاری کیفی برای تحلیل موقعیت و برای اکتشاف منطق موقعیت استفاده می‌شود.

بررسی نقشه‌های مختلف در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که «شهر اسلامی» به عنوان یک موقعیت دربردارنده‌ی انبوهی از عاملین، کارگزاران، کنشگران و مؤلفه‌های دخیل است که تکیه و تمرکز انحصاری بر برخی از آن‌ها و حذف دیگران، باعث شکل‌گیری تصویری ناقص و مبهم از آن می‌گردد. این عاملین، هم شامل کارگزاران و کنشگران مختلف انسانی هستند که در دوره‌های زمانی مختلف به ساخت و بازسازی سکونتگاه‌های شهری مختلف اقدام کرده‌اند؛ و هم پژوهشگران و حرفه‌مندان مختلف درگیر در مطالعه در این زمینه را شامل می‌شوند. اما مهم‌تر از این دو مورد، مؤلفه‌ها و کنشگران غیرانسانی و نیز گفتمان‌های دخیل در این عرصه هستند که غفلت از آن‌ها در پژوهش‌های مختلف به اغتشاش و تضادهای مختلف موجود در این عرصه انجامیده است.

از سوی دیگر، و به تبع تعدد عاملین و مؤلفه‌های دخیل، پژوهش در ماهیت شهر اسلامی و تبیین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مختلف آن نیازمند مطالعات چندسایتی و استفاده از روش‌های مختلف است که طیف وسیعی از مصاحبه و روش‌های مردم‌نگارانه تا روش‌های تفسیری و تأویلی و پدیدارشناسانه، و تا تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان‌های دخیل در این عرصه را دربرمی‌گیرد. تکیه‌ی پژوهش‌های مختلف بر روش‌هایی خاص به نگاه‌های یک بعدی و توصیف شهر اسلامی و تشریح ویژگی‌های آن بر مبنای دیدگاه‌های محدود منجر شده است که خود باعث شده تا تصور از شهر اسلامی و مؤلفه‌های سازنده آن به





آن انجامیده است و از سوی دیگر بسیاری از موضوعات و مقوله‌های بکر و بررسی نشده را پیش روی پژوهشگران قرار داده است. در همین حال بسیاری از دست‌اندرکاران و مؤلفه‌های دخیل فاقد نمایندگی و حضور در این زمینه هستند؛ مسئله‌ای که در روش تحلیل موقعیت از آن به عنوان صداهای ساکت یاد می‌شود. در این زمینه، ترسیم نقشه‌های وضعیت مختلف به خصوص در مورد موضوعات رقیب و در ادامه شناخت خلأهای پژوهشی و وضعیت‌های اتخاذ نشده و تلاش برای مرتفع نمودن این خلأها به ارائه‌ی تصویری روشن‌تر از شهر اسلامی و ماهیت، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن خواهد انجامید.

به تحلیل موقعیت بزرگ‌تر کمک می‌کند. به صورت مشابه در خصوص هر یک از عرصه‌ها، با توجه بر موضوع مورد تمرکز هر عرصه، جهان‌های اجتماعی موجود در آن‌ها و موضوعات داغ، مسائل رقیب و مجادله‌های جاری به ارائه‌ی تصویری بهتر از ماهیت، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی منجر می‌شود.

در نهایت، این‌که شهر اسلامی دستخوش نگاه‌ها و فرض‌ها و پیش‌فرض‌هایی بوده است که بارها و بارها در پژوهش‌های مختلف به آن‌ها اشاره شده است؛ بدون این‌که ارتباط آن با شرایط خاص هر دوره‌ی زمانی و هر محیط جغرافیایی‌ی آزمون شود. این مسئله از یک طرف به تصویری کلیشه‌ای از ماهیت و مؤلفه‌ها و عناصر سازنده‌ی

پی‌نوشت

۱. Perez

۲. Cannella

۳. Clarke

۴. Fries

۵. Washburn

۶. Nasser

۷. Raymond

۸. Al-Sayyad

۹. Tureli

۱۰. در تنظیم این جدول، اصلی‌ترین و پراستنادترین پژوهش‌های انگلیسی‌زبان مورد استفاده قرار گرفته است. توضیح آنکه با توجه به تأخر زمانی توجه به انگاره‌ی «شهر اسلامی» در ادبیات فارسی‌زبان، که عمدتاً به دو دهه‌ی اخیر مربوط هستند و با عنایت به تأثیر پژوهش‌های انگلیسی‌زبان بر آن، بررسی آن‌ها نیازمند نوشتاری مجزاست. در این مورد، مطالعه‌ی تطبیقی بین این دو دسته نیز می‌تواند دستاوردهای شایانی در بر داشته باشد.

۱۱. Situational Analysis، در فرهنگ انگلیسی به فارسی به فارسی آریان‌پور (۱۳۸۴) برای Situation به ترتیب معادل‌های «موقعیت، وضعیت، جایگزینی، وضع و حالت» آمده است. واژه‌ی Position هم به عنوان «موقعیت، وضعیت، قرار دادن یا قرار گرفتن» معنا شده است. در زبان انگلیسی نیز همین مشابهت و مترادف معنایی قابل مشاهده است. فرهنگ مریام-وبستر Situation را «شیوه قرارگیری یک چیز در ارتباط با محیط پیرامون» و Position را «جای دادن یا سامان دادن، برگزیدن یک دیدگاه» تعریف کرده است. این دو واژه در فرهنگ اکسفورد به ترتیب «مجموعه‌ای از رویدادها و شرایطی که در یک زمان و مکان مشخص وجود دارند» و «مکانی که یک فرد یا یک چیز، اغلب در ارتباط با سایرین، قرار دارد» تعریف شده‌اند. از سوی دیگر هر دو منبع یاد شده Situation و Position را مترادف یکدیگر معرفی کرده‌اند. بر این اساس یکی از مسائل پیش روی پژوهش حاضر ترجمه‌ی این دو واژه به زبان فارسی بود که در این خصوص با توجه به دیدگاه دکتر مقصود فراستخواه در کتاب «روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی» به عنوان یکی از نخستین و معدود منابع فارسی در خصوص روش مورد استفاده در این نوشتار، برای واژه Situation از معادل موقعیت و برای Position از معادل وضعیت استفاده شد.

۱۲. Strong

۱۳. Gaet

۱۴. Samerband





- French .۱۵
Eeson .۱۶
Moment .۱۷
Multisite .۱۸
Text .۱۹
Context .۲۰
action-centered .۲۱
situation-centered .۲۲
Situational Maps .۲۳
Messy .۲۴
Relational Maps .۲۵
Social Worlds/Arenas Maps .۲۶
Positional Maps .۲۷
Meso .۲۸
“the big picture” or “the big news” .۲۹
Universes of discourse .۳۰

منابع

۱. آنتونیو، جیم. ۱۳۹۴. قاهره تاریخی: سیری در این شهر اسلامی. ترجمه‌ی محمدرحیم رهنما، مژگان پورعماد، و نونا مسگرانی. تهران: مژگان پورعماد.
۲. بابائی‌سالانقوج، احسان، محمد مسعود، و محمود محمدی. ۱۳۹۳. تبیین یک چهارچوب مفهومی برای شهر اسلامی. روش‌شناسی علوم انسانی ۸۰ (۲۰): ۱۰۹-۱۴۰.
۳. بمان، نجم‌الدین. ۱۳۹۳. شهر اسلامی. ترجمه‌ی محمدحسین حلیمی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه.
۴. بمانیان، محمدرضا. ۱۳۹۵. شکل شهر اسلامی در بحران جنگ نرم. تهران: پالیز سخن.
۵. جاجرمی ایمانی، حسین. ۱۳۹۳. مقالاتی درباره‌ی شهر اسلامی. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۶. جعیط، هشام. ۱۳۹۳. کوفه: پیدایش شهر اسلامی. ترجمه‌ی ابوالحسن سروقدمقدم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. حبیبی، محسن. ۱۳۸۵. از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. حکیم، بسیم سلیم. ۱۳۸۱. شهرهای عربی-اسلامی، اصول شهرسازی و ساختمانی. ترجمه‌ی عارف اقوامی مقدم و محمدحسین ملک‌احمدی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. دانش، جابر. ۱۳۸۹. مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۱ (۱): ۱۵-۳۲.
۱۰. صارمی، حمیدرضا. ۱۳۸۷. ساختار شهر اسلامی. تهران: انتشارات سازمان شهرداری دهیاری‌های کشور.
۱۱. لطیفی، غلامرضا، و ایمان قلندریان. ۱۳۹۵. امنیت و شهر اسلامی. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۲. محسن، حبیبی. ۱۳۸۷. از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. مرتضی‌العاملی، جعفر. ۱۳۸۸. شهر اسلامی. تهران: بوی شهر بهشت.
۱۴. مسعود، محمد، و احسان بابائی‌سالانقوج. ۱۳۹۴. تحلیلی بر مطالعه‌ی شکل شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی (۱۹): ۵-۱۳.
۱۵. موحد، علی، علی شماعی، و ابوالفضل زنگانه. ۱۳۹۱. بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری). برنامه‌ریزی منطقه‌ای ۲ (۵): ۳۷-۵۲.
۱۶. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۰. شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طبیعه: بایسته‌های تحقق شهر اسلامی بر مبنای نصوص دینی. تهران: مؤسسه نشر شهر.
۱۷. نوحی، حمید. ۱۳۸۸. تأملات در هنر و معماری: مجموعه مقالات، سخنرانی‌ها و گفتگوها. تهران: گنج هنر.
۱۸. وبر، ماکس. ۱۳۹۴. شهر در گذر زمان. ترجمه‌ی شیوا کاویانی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

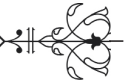




References

1. Abu-Lughod, Janet L. 1987. The Islamic City—Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance. *International Journal of Middle East Studies* 19(02): 155-176.
2. Alsayyad, N, and I. Türel. 2009. Islamic Urbanism. In R. Kitchin and N. Thrift (Eds.), *International Encyclopedia of Human Geography* (pp. 598-606). Elsevier.
3. Alsayyad, Nezar. 1996. The Sstudy of Islamic Urbanism: An Historiographic Essay. *Built Environment* (1978): 91-97.
4. Antoniou, Jim. 2015. *Historic Cairo; a Walk through the Islamic City*. Translated by Mohammadrahim Rajnama, Mojgan Pouremad, and Nona Mesgarani. Tehran: Mojgan Pouremad.
5. Babaei Salanghooch, Ehsan, Mohammad Masoud, and Mahmood Mohammadi. 2014. Explaining a Conceptual Framework for Islamic City. *Methodology of Social Sciences and Humanities* 80 (20): 109-140.
6. Bemanian, Mohammad Reza. 2016. *The Form Islamic City in Soft War Crisis*. Tehran; Paliz-e Sokhan.
7. Bemat, Najm al-Din. 2014. *Islamic City*. Translated by Mohammad Hosein Halimi. Tehran: Printing and Publishing Organization of Awqaf and Charity Affairs.
8. Clarke, Adele E.. 2003. Situational Analyses: Grounded Theory Mapping After the Postmodern Turn. *Symbolic Interaction* 26(4): 553-576.
9. Clarke, Adele E. 2005. *Situational Analysis: Grounded Theory after the Postmodern Turn*. Sage.
10. Clarke, Adele E. 2007. *Grounded Theory: Critiques, Debates, and Situational Analysis*. The SAGE Handbook of Social Science Methodology: 423-442.
11. Clarke, Adele E, and Carrie Friese. 2007. *Grounded Theorizing using Situational Analysis*. The Sage Handbook of Grounded Theory: 363-397.
12. Clarke, Adele E, Carrie Friese, and Rachel Washburn. 2015. *Situational Analysis in Practice: Mapping Research with Grounded Theory* (1ST Vol.). Left Coast Press.
13. Clarke, Angela T. 2006. Coping with Interpersonal Stress and Psychosocial Health Among Children and Adolescents: A Meta-Analysis. *Youth and Adolescence* 35(1): 10-23.
14. Danesh, Jaber. 2011. An Introduction to the Formation of Islamic City. *Research Letter of Visual Arts* (1): 15-32.
15. Djait, Hichem. 2014. *Kufa; the Formation of an Islamic City*. Translated by Abolhasan Sarvghad Moghaddam. Mashhad: Islamic Research Foundation.
16. Eickelman, Dale F. 1974. Is there an Islamic City? The making of a Quarter in a Moroccan Town. *International Journal of Middle East Studies* 5(03): 274-294.
17. Grabar, Oleg. 1983. *Reflections on the Study of Islamic Art*. Muqarnas:1-14.
18. Habibi, Mohsen. 2008. *From Shaar to Shahr*. Tehran: University of Tehran Press.
19. Hakim, Basim Salim. 1999. *Urban form in traditional Islamic cultures: Further studies needed for formulating theory*, *Cities*, 16(1), 51-55.
20. Hakim, Basim Salim. 2002. *Arabic Islamic Cities Rev: Building and Planning Principles*. Translated by Aref Eghvami Moghaddam and Mohammad Hosein Malek Ahmadi. Tehran: Printing and Publishing Organization of Ministry of Culture and Islamic Guidance.
21. Haneda, Masashi, Toru Miura. 1994. *Islamic Urban Studies; Historical Review and Perspectives*. Kegan Paul International Limited.
22. Hourani, Albert. 1981. *The Emergence of the Modern Middle East*. University of California Press.
23. Jajarmi Imani, Hossein. 2014. *Articles about Islamic City*. Tehran: Tehran Urban Research and Planning Center.
24. Lapidus, Ira M. 1984. *Muslim Cities in the Later Middle Ages*. CUP Archive.
25. Latifi, Gholam Reza, and Iman Ghalandarian. 2016. *Security and Islamic City*. Tehran: Academic Center for Education, Culture and Research of Allameh Tabatabai University.
26. Marçais, Georges. 1940. *L'urbanisme Musulman*. Mélanges d'Histoire et d'Archéologie de l'Occident Musulman. I.
27. Masoud, Mohammad, and Ehsan Babaei Salanghooch. 2015. An Analysis of the Study of Islamic City. *Research Letter of Visual Arts* (19): 5-13.
28. Mortaza Alaameli, Jafar. 2009. *Islamic City*. Tehran: Boo-ye Shahr-e Behesht.
29. Movahhed, Ali, Ali Shamaee, and Abolfazl Zanganeh. 2012. Recognition of Physical Identity of Islamic Cities. *Reginal Planning* 2(5): 37-52.
30. Naghizdeh, Mohammad. 2011. *Islamic Ideal City*. Tehran: Shahr Publishing Institute.
31. Nasser, Noha. 2002. Islamicate Urbanism: the State of the Art. *Built Environment* 28(3): 173-186.
32. Neglia, Giulia Annalinda. 2008. *Some Historiographical Notes on the Islamic City with Particular Reference to the Visual Representation of the Built City The City in the Islamic World* (2 Vols). Brill.
33. Nouhi, Hmaid. 2009. *Thought on Art and Architecture*. Tehran: Ganj-e Honar.





34. Pérez, Michelle Salazar, and Gaile S. Cannella. 2013. Situational Analysis as An Avenue for Critical Qualitative Research: Mapping Post-Katrina New Orleans. *Qualitative Inquiry* 19(7): 505-517.
35. Raymond, André. 1994. Islamic City, Arab City: Orientalist Myths and Recent Views. *British Journal of Middle Eastern Studies* 21(1): 3-18.
36. Saremi, Hamid Reza. 2008. *Foundation of Islamic City*. Tehran: Organization of Municipalities and Rural.
37. Strong, Tom, Joaquín Gaete, Inés N Sametband, Jared French, Jen Eeson. 2012. Counsellors Respond to the DSM-IV-TR/ Les Conseillers Répondent au DSM-IV-TR. *Canadian Journal of Counselling and Psychotherapy (Online)* 46(2): 85.
38. Weber, Max. 2015. *City in History*. Translated by Shiva Kaviani. Tehran: Enteshar Joint-Stock Company.





Explaining the Concept of Islamic City by Situational Analysis

Ehsan Babaei Salanghooch *

Ph.D Candidate of Islamic Urbanism, Department of Architecture and urbanism, Art University of Isfahan

Mohammad Massoud **

Associate Professor of Urbanism, Department of Architecture and urbanism, Art University of Isfahan

Kamran Rabie ***

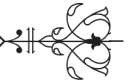
Assistant Professor of Sociology, Tarbiat Modarres University

Received: 15/07/2017

Accepted: 11/07/2018

Abstract

Despite its simple appearance, the Islamic city is one of the most challenging concepts studied in scientific disciplines including architecture, urbanism and the history of art. Besides theories approving or rejecting this concept, much research has been devoted to the study of the nature of the Islamic city and similar concepts such as Middle East city, Arabic-Islamic City, Muslims' city, Islamdom city, Islamicate city, and such expressions in Persian literature as good-life city, city of God, divine city, usury-free city etc. in order to present a specific definition of it by investigating its characteristics and component parts. The importance of this concept is due to the fact that the viewpoints presented about it have had a considerable role in any attempt for designing, planning, and organizing of cities based on Islamic culture in the contemporary period and the Islamic city has been considered as the key to the explanation of Islamic urbanism. On the other side, because of the history and the reasons for the genesis and circulation of this expression resulted from the opinions of the primary researchers of this concept, the Islamic city has always been influenced by issues that have led to its becoming a stereotype from its very beginning in related studies. Based on this stereotype and the claimed concept the possibility of using it in the contemporary city has been doubted. This study is to Explaining the Characteristics and Components of Islamic City with Situational Analysis. Situational Analysis is an extension of grounded theory, transnationally the most popular form of qualitative analysis in the social sciences and humanities today. The situation of inquiry is to be empirically constructed through the making of three kinds of maps and following through with analytic work and memos of various kinds. situational maps lay out the major human, nonhuman, discursive, and other elements in the research situation of inquiry and provoke analysis of relations among them; social worlds/arenas maps lay out the collective actors and the arena(s) of commitment and discourse within which they are engaged in ongoing negotiations—meso level interpretations of the situation; and positional maps lay out the major positions taken, and not taken, in the data vis-à-vis particular axes of difference, concern, and controversy around issues in the situation of inquiry. All three kinds of maps are intended as analytic exercises, fresh ways into social science data that are especially well suited to contemporary studies from solely interview-based to multi-sited research projects. They are intended as supplemental to traditional grounded theory analyses that center on action. Instead, these maps center on elucidating the key elements, discourses, structures, and conditions of possibility



that characterize the situation of inquiry. Thus, situational analysis can deeply situate research projects individually, collectively, social organizationally/ institutionally, temporally, geographically, materially, discursively, culturally, symbolically, visually, and historically. The results of the study demonstrate that as a situation have different actors' actants and component including individual human actors, nonhuman actants, collective human actors, implicated actors/actants. Discursive constructions, political elements, symbolic elements, temporal elements, spatial elements, etc. On the other hand, this situation has different social worlds and arenas. social worlds are groups with shared commitments to certain activities, sharing resources of many kinds to achieve their goals and building shared ideologies about how to go about their business. They are interactive units, worlds of discourse, bounded not by geography or formal membership but by the limits of effective communication. Social worlds are fundamental building blocks of collective action and the main units of analysis in such studies. In arenas, all the social worlds come together that focus on a given issue and are prepared to act in some way. Ignoring of this Social world and arenas leads to a rigid and limited understanding of Islamic city. Finally, there is positional maps. Positional maps analyze the contested discourses in the situation, seeking especially to analyze silences. Positional maps assist analysts in seeing complexity, variation, and heterogeneity in situations where once only binaries and/or longstanding, oversimplified divisions may have appeared. This often enables analysts to see established lines of controversy and division in fresh ways. This positional maps demonstrate that there is different silent actors and untaken position about Islamic City. A comprehensive and inclusive explanation of Islamic City should be figuring out this positions.

Keywords: Grounded Theory, Islamic City, Situational Analysis.



Managing Director: vice chancellor for
research-Iran University of Science and Technology

Editor-in-chief: Mohsen Faizi

Administrative Director:

Fatemeh Mehdizadehseraj

Administrative assistant:

AmirHosein Yousefi- Zahra kashanidust

Persian literary Editor: Sara Motevalli

English literary Editor: Mohammad Reza Ataee

Editorial Board Members:

Seyyed Gholam Reza Eslami: Associate Professor,
Tehran University

Hasan Bolkhari: Professor, Tehran University

Mostafa Behzadfar: Professor,

Iran University of Science and Technology

Mohammad Reza Pourjafar: Professor,

Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor,

Iran University of Science and Technology

Esmail Shieh: Professor, Iran University

of Science and Technology

Manoochehr Tabibian: Professor, Tehran University

Mohsen Faizi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Hamid Majedi: Associate Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Gholam Hossein Memariyan: Professor, Iran University

of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh: Professor, Iran University

of Science and Technology

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Ali Yaran: Professor, Iran Ministry of Science,

Research and Technology

Design assistant: AmirHosein Yousefi

Reviewers for Volume6, Number19:

Ahad Ebrahimi Nezhad: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art
University

Pardis Bahmani: Teacher, Iran University of Science and
Technology

Sara Daneshmand: Assistant Professor, Shiraz University

Reza Kheirodin: Associate Professor, Iran University of Science
and Technology

Salahedin Molanaee: Assistant Professor, Kordestan University

Mahdi Samaneh Taghdir: Assistant Professor, Iran University
of Science and Technology

Mohammad Saleh Shokuhi Bidhendi: Assistant Professor, Iran
University of Science and Technology

Somaye Mirmoradi: Assistant Professor, Nushiravani Babol
University

Maryam Roosta: Assistant Professor, Shiraz University

Parisa Hashempur: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art





- ▣ **Explaining the Concept of Islamic City by Situational Analysis**
Ehsan Babaei Salanghooch / Mohammad Massoud / Kamran Rabie

- ▣ **Bounded and boundlessness of the Islamic architecture spatial structure in Safavid era mosques (Case Study: Sheikh Lotfollah and Imam Mosque of Isfahan)**
Ali Dorri / Gholamreza Talischi

- ▣ **The Typology of Plant Compositions in the Iranian Stucco Decoration from the Islamic Period to the End of the Eighth Century AH**
Ahmad Salehi Kakhki / Bahareh Taghavi Nejad

- ▣ **Explaining relationship between the Compatibility of Mosque's Later Uses with Religious Function, with their Location Relative to the Main Spaces of Worship**
Abdolhamid Noqrekar / Prisa Yamani / Mahdi Hamzenejad

- ▣ **Concept and Evaluation of Porosity in Façades of Tabriz Historical Houses**
Massud Wahdattalab / Ali Yaran / Hamed Mohammadi Khoshbin